

سُورَةُ يُونُسَ ١٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الرَّحْمَنُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ



الف، لام، را، هر سه رمز خداست ز او وحی بر سینه‌ی مصطفاست
بیانیست ز آیات و هم بینات کتابیست پُر حکمت و باثبات

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ
قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ



تعجب نمایند این مردمان؟ که از خلق عالم یکی زان میان
رسالت دهیم ما بر آن مردِ راد بر او وحی رسانیم نیز از و داد
که هشدار دهد هم بشارت چنین به جمعِ خلائق همه در زمین
بوند مؤمنان بر نوید مستحق که باشد رفیع جایشان نزد حق
بگفتند کفار ز جهل و ز کین که باشد نبی ساحری بس مبین

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ
الْأُمُورَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ



بود ربّان ذاتِ الله، یقین
 ز حکمت بکرد خلق ذاتِ اله
 نمود او سپس عرش را برقرار
 نباشد شفیع هیچ کس بالمآل
 چنین است آن ذات پروردگار
 ز این آیه‌ها که بیامد بیان
 بکردست خلقت سماء و زمین
 پدید او بیاورد در شش پگاه
 به تدبیر، عالم بشد بر مدار
 مگر آن که بر رخصت ذوالجلال
 پس او را پرستید در روزگار
 تذکر نیاید ای مردمان!؟

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا
 يَكْفُرُونَ



به سوی خدا هست بازگشتان
 حقیقت بود وعده‌ی ایزدیست
 در اول بکرد خلقت از موهبت
 به عدل و به احسان بر صالحان
 و آنها که کافر بگشتند ز کین
 بود بهر کفار شراب حمیم
 عذابی که بیند در آن جهان
 سبب دارد از آن همه کفرشان
 اجل تا که آید به سروقتان
 به وقتی که عمر بشر منتهیست
 بخواند به سوی خودش عاقبت
 جزایی مناسب دهد آن جهان
 به ذاتِ خداوند و آیاتِ دین
 به دوزخ ببینند عذابِ الیم
 سبب دارد از آن همه کفرشان

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ
 مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ ۚ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ



همان است ذاتِ خداوندگار
 و تابان بفرمود آن نورِ ماه
 که تقویم بیاید به روز و شبان
 نفرمود خلق او به جز مصلحت
 که رخشنده خورشید نمود برقرار
 منازل به ماه داد ذاتِ اله
 حسابی معین به دورِ زمان
 ز یزدانِ پاک بوده این مرحمت

بیان کرده آیاتِ خود اینچنین بر اهلِ معارف به روی زمین
 إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ
 ﴿٦﴾

بود فرقِ بسیار در روز و شب و هم گونه‌گونی به مخلوقِ رب
 و اینها همه در سماء و زمین بود بس نشانه بر متّقین
 إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ
 ﴿٧﴾

همان‌ها که بر ذاتِ پاکِ اله ندارند امیدِ لقا هیچ‌گاه
 همه حُبشان باشد اندر جهان ز آیاتِ ما بوده از غافلان
 أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 ﴿٨﴾

و دوزخ یقین هست مأوایشان جزاییست بر جمله اعمالشان
 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
 ﴿٩﴾

کسانی که ایمان همی آورند و اعمالِ صالح به جا آورند
 خداوند هدایت کند راهِ راست بهشتِ برین بهر آنها سراسر
 به جنّات که نه‌رها روانند در آن شوند بهره‌مند تا ابد جاودان
 دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۖ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ

زبان را گشایند بر شکر و شوق بیارند تسبیح یزدان به ذوق
 بگویند منزّه تویی کردگار! ثنا هست مختصّ پروردگار
 دعا چون بخوانند با این سلام به طور سلامت بمانند مدام
 کنند شکر ایزد به آخر چنین به حمد و سپاس خالقِ عالمین

﴿ ۱۰ ﴾ وَلَوْ يَعْجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ ۖ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

اگر که شتاب می نمود کردگار به زشت کاری مردم روزگار
 دعا های شر که نمایند به هم اگر استجاب نمودی به دم
 همان طور که تعجیل ورزد خدا دعا های خیر را اجابت به جا
 همه مردم مستقر در زمین هلاکت بدیدند به طور یقین
 ولی آن کسان که ندارند امید که یابند لقا بر خدای حمید
 دهیم مهلت و فرصتی بهرشان که طغیان نموده همی کورشان

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ ۚ كَذَٰلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

رسد گر که اندوه بر مردمان که رنجور بگردند در هر زمان
 بیفتند بر یاد پروردگار دعا می نمایند بسی آشکار
 به هر حال خوانند ثنا بی قرار نشسته و خفته و ایستاده وار
 ولی چون که رفع گشت رنج و بلا به غفلت مجدد شوند مبتلا
 غروری بگیرند دوباره به جان که گویی نخوانند ما را چنان
 بدین گونه، اعمال آن مسرفان بگردیده زیبا در انظارشان

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا^{۱۰} وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا^{۱۱}
كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

﴿۱۳﴾

هلاکت بدادیم به اقوام پیش
و با آنکه با معجزات و دلیل
نیاورده ایمانی آن کافران
و ما هم رسانیم کیفر گران
که ظلم‌ها کردند بر قوم خویش
پیمبر فرستاده حق بر سبیل
همان مردم بدنهاد در جهان
برای چنین خلق و این مجرمان

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

﴿۱۴﴾

شما را نمودیم ما جایگزین
که بینیم چگونه عمل می‌کنید
به جای همان قوم اندر زمین
به ایمان و یا کفر رو می‌نهدید

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ^{۱۲} قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ^{۱۳}
قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي^{۱۴} إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ^{۱۵} إِنِّي أَخَافُ إِنْ
عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

﴿۱۵﴾

تلاوت شود تا که آیاتِ ما
کسانی که منکر بوند بر معاد
بگویند بیاور کتابی دگر
و یا که عوض کن تو آیاتِ آن
کند اعتراض بر رسول از عناد
ای پیمبر! جواب این‌چنان
چو حقست این‌سان مطالب اگر
مبدل نما و سپس برخوان
جز آنچه شود وحی بر من همی
که در حدّ من نیست تغییرِ آن
نیارم ز چیزِ دگر پیروی
بترسم ز عصیانِ آن آشکار

از آنچه که باشد عذابِ الیم به روز قیامت و یومِ عظیم
 قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

﴿۱۶﴾

رسولا! بگو گر نمی‌خواست خدا ز قرآن نمی‌خواندمی بر شما
 شما را ز احکام و آیاتِ رب نمی‌کردم آگاه من بی‌سبب
 بدم عمری زین پیش در نزدتان نکردم بیانی من از ربّتان
 کنون من رسولم ز پروردگار نبندید شما عقل خود را به کار؟

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ

﴿۱۷﴾

چه کس هست ظالم‌تر از آن که بافند دروغ بر خدای جهان
 کسان؟

و یا آن کسان که چو اهریمنند هم آیاتِ حق نیز تکذیب کنند
 نیابند نجات هرگز آن ظالمان به نزدِ خدا بوده از مجرمان

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۚ قُلْ
 أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

﴿۱۸﴾

پرستند بت‌ها به جایِ اله ز کفر می‌نمایند ایشان گناه
 نه سودی ببینند ز بت نه زیان ولیکن ز جهل آورند این بیان
 بگویند اینها به پروردگار شفاعت نمایند ما را چو یار
 بر ایشان بگو که چنین ادّعا که دارید این‌سان برای خدا
 خبر آورید خود ز چیزی نهان؟ به اندر زمین یا که در آسمان

به ذاتِ الهی دهید آگهی؟ زهی غافلِ و بسی کوتاهی
 منزّه بود ذاتِ پاکِ احدِ زِ هر نسبتِ شرکی آن لم یلد
 وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا
 فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

﴿۱۹﴾

نبودند به جز یک گروه مردمان همه اُمّتِ واحدِ اوّلِ زمان
 بگشتند ناسازگار، نارقیق زِ کیش و زِ آیین و اندر طریق
 اگر رحمتِ حق نبود از سبق کشیده شده بود زِ مردم نَسَق
 بسا می نمود داوری در جهان بدان اختلافات که بود در میان
 وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۖ فَقُلْ إِنَّمَا الْغِيبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ
 الْمُنْتَظِرِينَ

﴿۲۰﴾

بپرسند کفارِ زِ تو از عناد چرا کز خدا معجزه رخ نداد
 به پاسخ بگو غیب نزدِ خداست بمانید شما منتظر که رواست
 که من هم کشم انتظاری گران که نصرت رسد از خدای جهان
 وَإِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسْتَهُمْ ۚ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا ۚ قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا
 ۚ إِن رَّسَلْنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ

﴿۲۱﴾

چشانیم به مردم چو ما رحمتی به هنگامهی درد یا محنتی
 به توجیه آن رحمت رو کنند در آیات ما مکر و حيله کنند
 بگو مکر و تدبیر از کردگار سریع است و کامل در روزگار
 نوشته شود مکرهاشان همی به دست رسولان ما هر دمی

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرَحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ ۖ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿۲۲﴾

همان ذاتِ حق که بود ربّتان	به خشکی و دریا دهد سیرتان
به کشتی نشینید به امن و امان	ز بادی لطیف طی کنید راهتان
به ناگه وزد تا که بادی گران	ز امواج خطرها رسد بی‌امان
چو بینید خود را غریق و هلاک	بخوانید خدا را ز ترس و ز باک
به اخلاص بگویید که پروردگار!	نجاتم دهی گر از این وضع زار
سپاست بیارم ز صدق و یقین	همیشه بمانم من از شاکرین

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ ۖ لَفَلَمْ تَنْتَفِعُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۲۳﴾

نجات گر که دادیم ایشان چنین	نمایند ظلم و ستم در زمین
بدانید ای مردم روزگار!	ستم گر کنید پیش پروردگار
ستم را به خود کرده‌اید عاقبت	نیابید ز ظلم و ستم عافیت
متاع جهان هست فانی و پست	و رجعت، نهایت به سوی من است
به هنگام بازگشتان آن جهان	شما را کنیم آگه از فعلتان

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازِيدَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ ۖ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

﴿۲۴﴾

همانا مثالِ حیاتِ در جهان بودِ مثلِ آب، نازل از آسمان
 ز باران بروید گیاه بر زمین که انسان و حیوان خورند اجمعین
 زمین را ببخشد چو زینت نبات بشر غره گردد ز او در حیات
 شبی یا که روزی بودِ مُحتمل کنیم ریشه‌کن، جملگی مُضمحل
 به حالی که گویی در آن روزِ پیش نبودست اثر از گیاه کم و بیش
 بیان می‌کند ذاتِ پروردگار به اهلِ تفکر چنین آشکار

وَاللّٰهُ يَدْعُوْا اِلٰى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

﴿۲۵﴾

خداوند بخواند همه مردمان به سرمنزلِ اَمَن، اندر امان
 به هر کس بخواهد ز لطف عمیم هدایت کند بر ره مستقیم
 ﴿لِّلَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا الْحُسْنٰى وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوْهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيْهَا خَالِدُوْنَ﴾

﴿۲۶﴾

بود نیک، پاداشِ افرادِ پاک و افزون نکویی ز حق، تابناک
 نبینند خجلت به رخسارشان و ذلت نباشد سرانجامشان
 همه جملگی تا ابد در بهشت تنعم پذیرند ز این سرنوشت
 ﴿وَالَّذِيْنَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍۢ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ مَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ
 كَانَمَا اُغْشِيَتْ وُجُوْهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۚ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيْهَا خَالِدُوْنَ ۖ﴾

﴿۲۷﴾

هر آن کس که بنماید اعمالِ پست جزایش به قدرِ همان کار هست
 بیفتند به ذلت ز فعلِ گناه نباشند ایمن ز خشمِ اله
 شوند روسیاه نیز در حدّ تام چو آن ظلمتِ مطلقِ تیره شام

همه جملگی تا ابد در جحیم بینند عقوبت، عذابِ الیم

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ
وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ

﴿۲۸﴾

به گرد آوریم جمله‌ی مردمان به هنگامه‌ی محشر و روز آن
بگوییم با قهر، بر مشرکان بایستید، نزدِ خدایانتان
جداشان نماییم سپس از بُتان خدایان باطل گشایند زبان
بگویند نکردید پرستش به ما بپیموده‌اید راهِ خود بر خطا

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغَافِلِينَ

﴿۲۹﴾

بگویند که کافست حکم خدا قضاوت نماید چو در بین ما
نبودیم آگه ز این بندگی خطایی که کردید در زندگی

هَذَاكَ تَبْلَوُا كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ

﴿۳۰﴾

در آن روز هر کس ز افعالِ پیش ببیند جزای عمل‌های خویش
روند سوی مولا و معبودشان خداوندِ قادر، حقِ بی‌نشان
خدایان باطل بگردند فنا نماید اثر هیچ زان‌ها به جا

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ
الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

﴿۳۱﴾

رسولا! سؤال کن تو از مشرکان
 که مقسوم گردیده اندر زمین
 شما را چه کس داد این چشم و
 گوش؟
 چه کس می برد زنده را سوی موت؟
 چه کس نظم بخشد چنین بر
 جهان؟

چه کس می دهد رزق بر مردمان؟
 ز هفت آسمان آید چنین
 که قادر شوید بر تلاش و به کوش؟
 و یا زنده سازد همی بعد قوت؟
 به تدبیر و حکمت، عیان و نهان؟
 شوند معترف، جمله گویند خدا
 بپرس پس نیارید تقوی چرا؟

فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ

﴿۳۲﴾

چنین قادر مطلق است کردگار
 چه باشد به جز راه یزدان پاک؟
 کدام ره روید بعد از این گفتگو؟
 شما راست بر حق خداوندگار
 به جز گمراهی که رسد بر هلاک
 که باشد ضلالت، به جز راه هو

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

﴿۳۳﴾

بوند مستحق بر کلام عذاب
 که با این دلیلی چنین آشکار
 بگردد بر آن فاسقان پس خطاب
 نیارند ایمان به پروردگار

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ

﴿۳۴﴾

رسولا! بپرس کاین بتان شما
 و بعداً که ایشان خلقت کنند
 بگو که فقط قدرت کردگار
 توانند خلیت کنند ابتدا؟
 توانند که رجعت به مخلوق دهند؟
 نمودست این سان جهان برقرار

دهد رجعتی خلق بر سوی خویش همه خلق حاضر و هم خلق پیش
چگونه توانید که شرک آورید بخوانید خدا، آن بتان پلید؟

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى
الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ أَفَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

﴿۳۵﴾

بپرس که بتانی چنین بی‌رمق
بگو که فقط ذات پاک خداست
کدام یک پرستیدن او سزد؟
و یا آن که اندر هدایتگری
چگونه کنید داوری این میان؟
شما مردم غافل، ای جاهلان!

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

﴿۳۶﴾

گروه کثیری از این مردمان
که ایشان ز وهم و خیال مجاز
خداوند عالم بر احوالشان
نباشند پیرو جز از ظنشان
نگردند از حق یقین بی‌نیاز
بود آگه و هم بر اعمالشان

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ
الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۳۷﴾

نه برخاسته قرآن، مگر از اله
بکردست تصدیق گفتار حق
به تفصیل آورده است در میان
بدون شک آیات آن اجمعین
نبافته بشر این کلام هیچ‌گاه
کتاب‌های پیغمبران در سبق
ز احکام ایزد بکرده بیان
همه باشد از خالق عالمین

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ^ط قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿۳۸﴾

بگویند آیا زِ جهل کافران؟ که قرآن بیافته نبی این چنان
به پاسخ نما تو بر ایشان بیان بیارید یک سوره مانند آن
بگیرید کمک غیر پروردگار اگر راستگوید در روزگار
بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ ^ج كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ^ط فَانظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

﴿۳۹﴾

نمایند تکذیب امری عظیم که هرگز نباشند بر آن علیم
چو از باطن امر هستند غریب زِ تفسیر بیجا نمایند فریب
به مانندشان نیز در ماسبق کردند تکذیب آیات حق
نظر کن رسولا! بر آن ظالمان که آخر چه گردید فرجامشان
وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ^ج وَرَبِّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ

﴿۴۰﴾

گروهی بوند مؤمن و اهل دین گروهی به تکذیب دین اجمعین
خدای تو آگه تر است در جهان زِ اعمال ناپاک آن مفسدان
وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِّيْ عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ^ط أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ

﴿۴۱﴾

چو تکذیب نمایند تو را ای رسول! بگو که نمایید بدین سان قبول
بود جمله اعمال من بهر من شما هم به افعال خود در محن

بمانید بر اعمال من مُفتری زِ کردارتان من بگردم بَری
وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الصَّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ

﴿۴۲﴾

به ظاهر کنند گوش آن منکران هر آنچه بیاری تو اندر بیان
توانی مگر که رسانی پیام؟ کری را که نشنیده هرگز کلام
چگونه سخن بهر ایشان سزد کسانی که فارغ بوند از خرد
وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصِرُونَ

﴿۴۳﴾

و برخی به ظاهر نگاهت کند ولیکن به باطن همه کوردلند
کسانی که کورند و یا که کردند زِ عقل و زِ تدبیر نیز غافلند
بود ممکن آیات حق بشنوند؟ بصیرت بیابند هدایت شوند؟
إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

﴿۴۴﴾

نخواهد نمود ظلم پروردگار به هیچ یک زِ مخلوق در روزگار
ولی مردمانند که در حقّ خویش ستم‌ها نمایند همی کم و بیش
وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا
بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

﴿۴۵﴾

به محشر که باشد قیامت‌سرا همه خلق عالم بگردد به پا
به مانند آن است که اندر زمین فقط ساعتی بوده‌اند جایگزین

شناسند همه مردمان یکدگر به یومی که حکم می‌کند دادگر
 زیانکار و خاسر شوند کافران به دیدار حق بوده از منکران
 چو انکار کردند لقای خدا نگردند هدایت به راه هُدا
 وَإِمَانِيْنَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْتَوْقِيْنَكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

﴿۴۶﴾

رسولا! اگر شمه‌ای زان عذاب که وعده نمودیم ما در کتاب
 نشانت دهیم پاره‌ای در جهان نصیبی که دارند آن کافران
 و یا گر بمیری، رسد مهلتت ببینند عذاب، بعد آن رحلت
 بود رجعت جملگی یوم دین بیایند بر سوی ما اجمعین
 خداوند بود آگه از کارشان که او هست شاهد بر اعمالشان
 وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴿۴۷﴾

به هر امتی گشته مبعوث رسول به خلق حُجَّتست و نمایند قبول
 به حکم عدالت کند داوری ز هر ظلم به امت بود او بری
 وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿۴۸﴾

بگویند کفار ز جهل و ز کین چه وقت می‌رسد وعده‌ی یوم دین
 جوابی دهید و کنید گفتگوی اگر که شما یید ز جان راستگوی
 قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا
 يَسْتَخِرُونَ سَاعَةً ۖ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

﴿۴۹﴾

رسولا! به پاسخ بگو این چنین که من مالکِ خود نباشم یقین
 نه بر سود خود هم و نی بر زیان مگر تا چه خواهد خدای جهان
 بود یک اجل بهر هر امتی بکردست تعیین خدا مهلتی
 فرا می رسد وقت خود هر زمان نباشد شتاب و نه تأخیر در آن

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

﴿۵۰﴾

بگو نیز هنگامِ خوابِ وقتِ شام و یا روزِ روشن، عذابی تمام
 فرا گر رسد بر شما منکران مفرّی نیابید اندر میان
 چرا مجرمانند در این شتاب؟ که تعجیل نمایند بهر عذاب

أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ أَمَنْتُمْ بِهِ ؕ أَلَا نَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

﴿۵۱﴾

چو واقع بگردد عذابی عظیم به سوی شما منکران لثیم
 بگردید مؤمن به پروردگار؟ چنین وجه ایمان نیاید به کار
 چو در زندگی در پی این عذاب تمسخرکنان می نمودید شتاب

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

﴿۵۲﴾

به اهلِ ستم می رسد این پیام چشید این عقوبت به حدّ تمام
 نباشد جزا جز بر اعمالتان؟ به اندازه و حدّ عصیانتان؟

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

﴿۵۳﴾

بپرسند رسولا! زِ تو این سؤال که این وعده‌ها حق بودَ بالمآل؟
 بگو آری! سوگند بر ربِّ من که حقست هر وعده از ذوالمنن
 زِ آیاتِ ذاتِ خداوندگار شما را نباشد مفرِّ فرار
 وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۖ وَأَسْرَوْا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۚ
 وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۚ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

﴿۵۴﴾

اگر که بوند مالک آن ظالمین زمین را همه از یسار و یمین
 فدیّه دهند جملگی خاک و آب که یابند رهایی مگر از عذاب
 همی حسرت خود نمایند نهان چو بینند خشمِ خدای جهان
 به انصاف و داد می‌شود داوری نبینند ستم یا فزون کیفری
 أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۵۵﴾

بدانید مالک فقط ذاتِ هوست زمین و سماوات و هر چه در اوست
 بدانید که برحق و باشد بجا همه وعده‌هایی که داده خدا
 ولی اکثر مردمان غافلند نباشند آگاه و بس جاهلند
 هُوَ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

﴿۵۶﴾

خداوند عالم ببخشد حیات به وقتش حیات را نماید ممات
 همه رجعت خلق باشد به او خداوند واحد همان ذاتِ هو
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
 لِّلْمُؤْمِنِينَ

بدانید ای مردمان جهان! رسیده شما را کتابی گران
همه پند و اندرز از ربّتان شفاعش احوال و دل‌هایتان
هدایت ز ایزد بود این‌چنین همی رحمت خاص بر مؤمنین

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

بگو که ز فضل خداوندگار به شادی نمایند طی، روزگار
که شادیست مفیدتر ز هر نعمتی ز اندوخته و مال و هر ثروتی
قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أُذِنَ لَكُمْ^ط أَمْ
عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ

بگو رزق و روزی ز پروردگار که از رحمتش داده در روزگار
بود نزد مخلوق بهر طعام شما می‌نمایید حلال و حرام؟
بگویید آیا که حکم از خداست؟ و یا آنکه بر ذات حق افتراست؟
وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^ق إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

و آنان که بر ذات پاک خدا ببندند دروغ و زنند افترا
ندارند اندیشه از آخرت؟ که چونست پایانشان عاقبت؟
بود بی‌حدود فضل ایزد به ناس ولی مردمان اکثراً ناسپاس

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

﴿٦١﴾

نباشد تو را هیچ حال ای رسول!
و یا هیچ فعلی نیارید پدید
مگر آنکه آگاهیم از آنچه بود
به نزد خدایت، بدان هیچ چیز
چه مثقال ذره و یا که گران
نه کمتر نه بیشتر نباشد یقین
تلاوت نسازی کلام نزول
تو و پیروانت نه کاری کنید
نظارت نماییم و باشیم شهود
نباشد خفا از درشت یا که ریز
هر آنچه زمین دارد و آسمان
مگر آنکه هست در کتاب مبین

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

﴿٦٢﴾

بدانید یارانِ ذاتِ الهِ ندارند اندوه و ترس هیچ‌گاه

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

﴿٦٣﴾

بوند اهلِ ایمان و دارند باک همه متقی نزدِ یزدانِ پاک

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۚ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿٦٤﴾

بشارت بود بهرِ این مردمان
سخن‌ها و آیاتِ ذاتِ الهِ
بود بهرِ ایشان ز ایزدِ نعیم
در این دارِ فانی و در آن جهان
به تحریف نیارند بیان هیچ‌گاه
بخوانده خداوند فوزِ عظیم

وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿٦٥﴾

رسولا! مخور غم تو از طعنه‌ها ز گفتار و رفتار و از کینه‌ها
بود هر شکوهی و هر اقتدار فقط منحصر بهر پروردگار
که بر حال مخلوق باشد علیم سمیع است و آگاه ذات کریم

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ۖ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
شُرَكَاءَ ۚ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

﴿٦٦﴾

بدانید که ملک خدا هست یقین هر آنچه بود در سماء و زمین
ز هر چیز کنند پیروی مشرکان به جز ذات ایزد خدای جهان
بود فکر بیجا که بی حاصل است ز شک باشد و بالیقین باطل است
به جز آنکه بافند دروغ بر اله ندارند کاری دگر هیچ گاه

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

﴿٦٧﴾

همانست خداوند که در روزگار مقرر بفرموده شب‌های تار
که آسایش و خواب بیابید شب بداده فروغی به روز ذات رب
پدید است آیات ایزد چو پند برای کسانی که حق بشنوند

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ الْغَنِيُّ ۖ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّ عِنْدَكُمْ
مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا ۚ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

﴿٦٨﴾

ببندند کفار ز جهل افترا که فرزند گزیدست ذات خدا

ولی بی‌نیاز و منزّه خداست و او مالک ارض و جمله سماست
ندارید شما جاهلان هیچ دلیل برای سخنهایی از این قبیل
ز چه روی رانید این‌سان بیان؟ به حالی که علمی ندارید به آن

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

﴿۶۹﴾

رسولا! بگو هر که از روی کین ببندد دروغی به خالق چنین
نبیند ز ذات اله او نجات نیابد آخر نجات و فلاح

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

﴿۷۰﴾

به گیتی متاعی بیابند قلیل که آخر بگرداند ایشان ذلیل
سپس سوی ما رجعت جملگیست پس از آنکه پایان این زندگیست
چشانیم بر ایشان عذابی الیم جزای چنین کذب و کفری عظیم

﴿۵﴾ وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي
بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً
ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ

﴿۷۱﴾

بگو ای پیمبر! بر این مردمان که فرمود بر اُمّتش آن ودود
ز اندرز و پندی که آرم بیان توکل کنم من به یزدان پاک
شما نیز گرد آمده با بتان نباشد چو پوشیده کار نزدتان
ز داستان نوح آر سخن در میان اگر کبر دارید و باشید حسود
که بودست آیات ربّ جهان ندارم ز کبر شما هیچ باک
شوید مجتمع، گشته هم‌داستان توانید به کار برده نیرنگتان

به سوی من آیید با فکرِ خویش که هستید درباره‌ی من پریش
 فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ

﴿۷۲﴾

اگر پشت کنید و بگردانده روی نگردید تسلیمِ حق هیچ سوی
 نخواهم طلب کرد اجر از شما برای هدایت به سوی خدا
 چو مبعوث گشتم ز پروردگار همه اجر من هست بر کردگار
 مرا هست امری محقق چنین که باشم خودم نیز از مسلمین
 فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خُلَافَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ
 فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

﴿۷۳﴾

بکردند تکذیب، نکرده قبول هدایت و اندرزهای رسول
 بدادیم نجات نوح و هم پیروان نشسته به کشتی و گشتند روان
 خلیفه بگشتند و هم جانشین همه پیروانش به روی زمین
 ولی کافران بر خداوندِ پاک همه غرقه‌ی آب و گشتند هلاک
 نگر تا چه شد عاقبت کارشان کسانی که دادیم هشدارشان
 ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ
 قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

﴿۷۴﴾

ز بعدش رسولانِ آیین و کیش نمودیم مبعوث به اقوامِ خویش
 که آیاتشان نیز از هر جهات بر آن امتان بوده از معجزات
 نمودند تکذیب ولی آن رسول نکردند حجت ز حق را قبول

به دل‌های تاریکِ آن سرکشان نهادیم مهری زِ جهل گران
 ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا
 مُّجْرِمِينَ

﴿۷۵﴾

بدادیم حکم رسالت به دین به موسی^۱ و هارون به روی زمین
 فرستاده ایشان به فرعون و اهل نکردند قبول هیچ از روی جهل
 تبهکاری کردند آن قومِ دون تکبر بورزیده بس گونه‌گون
 فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

﴿۷۶﴾

چو از نزد ما بود آن بیّنات قبولش نکردند از هیچ جهات
 بگفتند که باشد بسی آشکار چنین سحری آورده در کارزار
 قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أُسِحَّرُ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

﴿۷۷﴾

پس آنگاه موسی^۱ چنین لب گشود به فرعون و اهلش، به جمع عنود
 بر آیاتِ حق که یقین از خداست بگویند سحر است و آن نابجاست؟
 و حال آنکه جادوگران عاقبت نیابند نجات و ره عافیت
 قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ
 بِمُؤْمِنِينَ

﴿۷۸﴾

بگفتند فرعونیان پس چنین که موسی^۱ تو داری به ما قصدِ کین؟

که ما را ز آیینِ اجداد خویش مبریٰ نمایی ز آداب و کیش؟
بگردی خلیفه سپس در زمین نباشیم تو را هرگز از مؤمنین
وَقَالَ فِرْعَوْنُ اَتُتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

﴿۷۹﴾

و فرعون بگفتا که نزد من کنون بیارید همه ساحرِ پُرفنون
فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمُ مُوسَىٰ اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ

﴿۸۰﴾

بگشتند حاضر همه در میان ز جادوگران و همه ساحران
بفرمود موسیٰ شما ساحرید نمایش دهید و بساط آورید
فَلَمَّا اَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهٖ السِّحْرِ اِنَّ اللّٰهَ سَيَبْطِلُھُ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِیْنَ

﴿۸۱﴾

نمایش چو دادند جادوگران بفرمود موسیٰ عتابی گران
کُند باطل، الله در یک نگاه همه سحر و جادویتان را تباه
به اصلاح نیارد خداوند یقین ز افعال و اعمال آن مفسدین
وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

﴿۸۲﴾

سخن‌های حق را خداوندگار به تأییدِ خود می‌کند پایدار
اگر چه جمیعاً همه مجرمان نباشند راضی ز آن در جهان
فَمَا اٰمَنَ لِمُوسٰی اِلَّا ذُرِیَّةٌ مِّنْ قَوْمِهٖ عَلٰی خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ اَنْ یَفْتِنَهُمْ ۚ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِی الْاَرْضِ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِیْنَ

پس از آن همه معجزاتِ عظیم که آمد ظهور از رسولِ کلیم
 نیاورده ایمان به موسی^۱ و کیش به جز چند فرزندی از قومِ خویش
 به طور خفی بود و با ترس و بیم که فرعون و اهلش نگردند علیم
 مبادا! که فتنه کنند روی کین رسانند به قتل جمله‌ی مؤمنین
 چو فرعون بزرگی بجُست در زمین زِ ظلم و ستم بوده از مُسرفین

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ

بفرمود موسی^۱ بر آن مردمان که دارید قبول گر خدای جهان
 توکل نمایید بر او اجمعین اگر که شماست از مسلمین

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

بگفتند آن قوم، نداریم باک توکل نماییم به یزدانِ پاک
 خدایا! زِ اشرار مصون دارمان رهایی ده از فتنه‌ی ظالمان

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

نجات ده زِ رحمت همه مؤمنان زِ جمعِ ستمکار و از کافران

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ^۲ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

نمودیم وحی ما در آن روزگار به موسی^۱ و هارون بسی آشکار
 بگردید بر سوی مصر، خود روان شما هر دو با ایل و هم پیروان
 بگیریذ منزل در آن سرزمین کنید خانه را قبله‌ی مؤمنین
 نماز و عبادت به پای آورید به سوی خداوند و ربّ فرید
 رسولا! تو هم ده بشارت چنین بر آن مردم و جمله‌ی مؤمنین

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

﴿۸۸﴾

نمود عرض موسی^۱ که ربّ کریم! بدادی به فرعون زینت عظیم
 ببخشیدی اموال و مال، بی‌کران به فرعون و فرعونیان در جهان
 بدین روی کنند گمره از راه راست به سویی برند که همه بر خطاست
 خدایا تو اموالشان کن تباه بگیر سخت به دل‌های غرق گناه
 نگردند مؤمن به پروردگار مگر تا ببینند عذاب آشکار

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۸۹﴾

خداوند بفرمود که شد مستجاب دعای شما را بدادم جواب
 شوید پایدار اندر این راه راست ره رستگاریست بی‌کم و کاست
 نگردید پیرو ز جهال خام که غافل بماندند در حدّ تام

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

﴿۹۰﴾

عبور ما بدادیم بنی‌اسرائیل ز دریا برفتند آن قوم و ایل

به همراهِ فرعون سپاهی گران
 چو هنگامه‌ی غرقِ فرعون رسید
 بگفتا، زِ طغیان و آن‌سان گناه
 نباشد خدایی به جز آن جلیل
 به تسلیم محض اندر این روزگار
 به تعقیب ایشان به دریا روان
 نماند در برش هیچ گونه امید
 کنم توبه در نزدِ تو ای اله!
 که هست کردگارِ بنی‌اسرائیل
 مسلمان شوم من به پروردگار

الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

﴿۹۱﴾

خطابی بشد که به غرقاب آب؟
 نمایی قبول تو در این اضطراب؟
 بکردی بسی ظلم اندر زمین
 بماندی همیشه تو از مفسدین

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ

﴿۹۲﴾

هم امروز آن پیکرت را لعین!
 و هر چیزی از توست نیز اجمعین
 به ساحل رسانیم ما جملگی
 که عبرت بگیرند در بندگی
 اگر چه که اکثر ز این مردمان
 ز آیاتِ ما بوده از غافلان

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَٰئِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ
 الْعِلْمُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

﴿۹۳﴾

پس از آن همه ماجرا گونه‌گون
 به راستی و صدق بوده اندر امان
 نبود اختلافی کثیر در میان
 مگر تا که آمد خبر آن‌چنان
 که قرآن هدایت بود بر بشر
 بشد اختلاف و نمودند شر
 به روزِ قیامت بر این اختلاف
 جزا حق دهد هر که کرده خلاف
 بدادیم بنی‌اسرائیل را سکون
 ز رزق و ز روزی و نعمت گران

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَقَدْ جَاءَكَ
الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

﴿٩٤﴾

پیمبر! اگر داری شک در میان ز آیات که نازل بگشتت عیان
سؤالی نما تو ز اهل کتاب صداقت چو دارند و اهل حساب
کتابهای سابق ز دوران پیش بگفتست آیات ما کم و بیش
ز خلاقِ توسست جمله آیات غیب نیاور به دل هیچ شکی و ریب

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ

﴿٩٥﴾

نباش تو ز آنان که در روزگار دروغ خوانده آیات پروردگار
که در روز محشر و آن یوم دین بگردی زیانکار و از خاسرین

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

﴿٩٦﴾

یقیناً بر آنان که حکم اله عذابست محقق ز فعل گناه
نگردند مؤمن به روز حساب نیارند ایمان به حق و کتاب

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

﴿٩٧﴾

و گر کلّ آیات گردد عیان نیارند ایمانی آخر به آن
مگر تا ببینند با چشم خویش عذاب الیم و عقاب پریش

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

چرا مردمان که بُدند پیش از این؟ به وقتش نیاورده ایمان به دین
 مگر قوم یونس که کردند قبول به راهی که بنمود هدایت رسول
 و ما ذلت و خواری از هیچ جهت ندادیم بر آن اُمت اندر حیات
 شدند بهره‌مند تا به وقتِ اجل زِ الطافِ خاصی زِ عزّوجلّ
 وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا ۚ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

رسولا! زِ ربِّ تو اندر جهان مشیت اگر می‌شدی این‌چنان
 که ایمان بیارند همه در زمین همه یکسره می‌شدند مؤمنین
 به زور و به جبر کی توانی نبی؟ نمایی تو این مردمان متقی
 وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

نیارد کس ایمان به راهِ هُدا مگر که دهد اذن و توفیق خدا
 دهد بس پلیدی خدای جهان بر آنها که هستند نابخردان
 قُلْ اُنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

بگو ای رسول! بر سماء و زمین ببینید آیاتِ حق این‌چنین
 اگر چه کسانی که هیچ نگرند تذکر نگیرند و نیک ننگرند
 فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ

پس این جاهلان در پی چیستند؟ که امروز چو پیشینیان زیستند
بگو که کشید انتظار بر عذاب منم منتظر با شما بر حساب

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۱۰۳﴾

دهیم ما سپس بر رسولان نجات و هر کس که مؤمن بشد در حیات
که بر ماست نجات دادن مؤمنین نمودیم واجب چنین حق یقین

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّأُكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۱۰۴﴾

رسولا! بگو تو که ای مردمان! بر ایمان من گر کنید شک چنان
نگیرم به چیزی خدایانتان نیرزد پیشیزی به نزدم بُتان
خداوند من اوست که در کائنات به دستش بود مرگتان یا حیات
بود حکم واجب مرا این چنین که باشم خودم نیز از مؤمنین

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

﴿۱۰۵﴾

صریح امر فرمود مرا ذوالجلال که روی آورم من به دین کمال
که هرگز نباشم من اندر زمین پی کیش گمراه آن مشرکین

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِن الظَّالِمِينَ

﴿۱۰۶﴾

دگر بار فرموده حق این بیان بگیر تو خدایی دگر در جهان

ندارند بهر تو اینها ثمر نه نفعی رساند به تو نی ضرر
 اگر که بگیری خدایی چنان بگردی تو از زمره‌ی ظالمان
 وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بُضْرٌ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ^ط وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ^ج يُصِيبُ بِهِ
 مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ^ط وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

﴿۱۰۷﴾

برایت ضرر گر بخواهد خدا کسی نیست قادر به دفعِ بلا
 و گر که بخواهد خدا بر تو خیر نبندد ره خیر را دستِ غیر
 به هر کس بخواهد غفور و رحیم درِ رحمت خود گشاید عظیم
 قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ^ط فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ^ط وَمَنْ
 ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ^ط وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

﴿۱۰۸﴾

بگو ای رسول! تو بر این مردمان که حق آمده سویتان بس عیان
 هر آن کس بگردد هدایت کنون بُرد نفع وافر همی گونه‌گون
 و هر کس به گمراهی افتد ز راه زیانکار گردد ز فعلِ گناه
 نباشم همی بر شما من وکیل به اتمام حجت نمودم دلیل
 وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ^ج وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

﴿۱۰۹﴾

رسولا! نما پیروی تو ز وحی به صبر و شکیبایی بنمای سعی
 به وقتش دهد حکم، پروردگار کند داوری اندر این روزگار
 قضاوت کند بینتان حق یقین که در حکمرانی بود بهترین